

تأثیر حجاب بر سلامت اخلاقی جامعه از منظر دین

الهام گواهی^۱

چکیده

این مقاله با هدف بیان تأثیر حجاب بر سلامت اخلاقی جامعه از نگاه دین تنظیم و در آن تلاش گردیده تا به این سوال پاسخ داده شود که تأثیر حجاب بر سلامت اخلاقی جامعه چیست. تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی این توصیفی و روش بکار رفته در این مطالعه اسنادی است. داده‌ها متناسب با اهداف و سوالات تحقیق با استفاده از ابزار فیش جمع‌آوری و در تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده شده است.

۱- از مهم‌ترین مولفه‌هایی که در این مقاله به آن پرداخته شده عبارتند از: بررسی مفهوم حجاب و آیات وارد شده در این موضوع، فلسفه حجاب و تأثیرات اخلاقی و روانی حجاب در جامعه. در دین اسلام حجاب به این دلیل واجب شده که سبب می‌شود زنان به تهذیب نفس خود پردازند و به مراتب کمال صعود کنند، ارزش خود را در جامعه فزونی بخشند و حس آرامش و امنیت را در خود ایجاد کنند و همچنین با رعایت حجاب فرمان الهی اطاعت می‌شود. حجاب یکی از عوامل بسیار موثر در سلامت اخلاقی جامعه است که از فساد و فحشاء و گناه در جامعه جلوگیری کرده تا حد زیادی از باعث کاهش آمار طلاق می‌شود و باعث ارزشمندی شخصیت زن در جامعه و ... می‌شود.

واژگان کلیدی: حجاب، سلامت، جامعه، دین

^۱ طلبه سطح دو مدرسه علمیه تخصصی الزهرا(س)

مقدمه

گرایش به پوشش و عفاف یک گرایش فطری در میان زنان و مردان است اما میزان و شکل آن رابطه مستقیمی با اخلاق و فرهنگ جوامع داشته و دارد و در سرزمین‌های مختلف، انسان‌هایی که به ارزش‌های اخلاقی اعتقاد بیشتر دارند از پوشش کامل‌تر و متین‌تری استفاده کرده‌اند و هر قدر سطح ارزش‌های اخلاقی در آن جوامع پایین آمده پوشش مردان و زنان نیز در سطح پایین‌تری قرار گرفته و شکل نامناسبی پیدا کرده است.

براساس آنچه امروزه در میان مسلمانان فارسی زبان به کار می‌رود مراد از حجاب، «پوشش اسلامی» است و مراد از پوشش زن، به عنوان یک از احکام وجوبی اسلام، این است که زن، هنگام معاشرت با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. اگر زن محجبه باشد، امتیازات ظاهری محو گشته و اذهان متوجه علم و ادب و هنر و اخلاق ایشان می‌شود و دیگر تمام توان زن صرف ظاهر و زیبایی نمی‌گردد، بلکه وقت و توانش به چیزهایی صرف می‌شود که بسیار ارزشمندتر است در واقع عفاف و پوشیدگی برای زن همچون سر و حفاظتی است که در سایه آن از هر ذلت و تحقیری در امان می‌ماند. یکی از مهم‌ترین عامل ایجاد بهداشت روانی و اخلاقی در اجتماع، حجاب و عفاف است که تا حد زیادی بیماری‌های اخلاقی جامعه را می‌کاهد. مقوله بی‌حجابی امروز به یک معضل در جامعه در آمده که فقط دامن‌گیر افراد بدحجاب جامعه نیست، در واقع آسیب‌های آن تمام اعضای جامعه را درگیر می‌کند. دین اسلام با واجب کردن حجاب، می‌خواهد زن بازیچه شهوت پرستان نباشد و ارزش‌های او به میزانی تنزل نکند که تنها وسیله‌ای شود برای اطفاء شهوت‌ها (مطهری^۱، ۱۳۹۱، ص ۸۶). در صورت انجام این مطالعه می‌توان انتظار داشت به آثار روانی و اخلاقی حجاب و بی‌حجابی که در منابع اسلامی وجود دارد پی برد. مثلاً در آیه ۶۰ سوره نور درباره فلسفه حجاب می‌فرماید: «وَأَنْ يَسْتَحْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ» و اگر زنان خود را بپوشانند برای آن‌ها (خیر) بهتر است. کلمه خیر که به معنی سود و نفع است، مطلق است و به دلیل اطلاقش، هم شامل نفع مادی می‌شود و هم نفع معنوی. در آیه ۵۳ سوره احزاب، سود و نفع حجاب مشخص‌تر بیان شده است، در آنجا که می‌فرماید: «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» این کار در حفظ حریم بین زن و مرد برای پاکی دل‌های شما و آن‌ها بهتر است. بنابراین طبق این دو آیه می‌توان گفت اثر مهم حجاب برای زن، طهارت و پاکی قلبی است که مقدمه‌ای برای رسیدن سلامت قلبی (قلب سلیم) است و از آن در روانشناسی به «سلامت روانی» تعبیر می‌شود.

^۱ مطهری ۱۳۹۱، ص ۸۶

رجبی (۱۳۹۰) در کتاب حجاب و نقش آن در سلامت روان بیان می‌دارد در واقع زن با تربیت فرزندان، عواطف انسانی را به آن‌ها منتقل می‌کند؛ عواطفی که جامعه انسانی سخت به آن نیازمند است و تمام مصیبت‌ها و مشکلات دنیای کنونی از کمبود آن چشمه می‌گیرد. اسلام یکی از راه‌های آن را واجب کردن حجاب می‌داند که بهترین راه را برای حفظ و بقای عواطف و احساسات با ارزش و ۹ انسانی زن محسوب؛ عواطفی که اگر در او نابود شود، نه تنها هسته روانی را تهدید می‌کند و او را دچار مشکلات حاد می‌سازد، بلکه جامعه انسانی را نیز به نابودی می‌کشاند.

حق شناس (۱۳۸۷) در کتابی به عنوان نظام اسلامی رساله حجاب بیان می‌دارد در اسلام، پیش شرط امنیت و سلامت اجتماعی زنان آن است که خود آن، زمینه‌های ناامنی را فراهم نیاورند.

کاشانی (۱۳۸۶) در کتاب بررسی تاریخ و جامعه‌شناسی حجاب در ادیان الهی بیان می‌دارد نقش قوانین محدود کننده دین در موضوع پوشش، شبیه نقش قوانین محدود کننده در میدان‌های ورزشی است که با ایجاد محدودیت در رفتارهای غیر ورزشی و در نظر گرفتن جریمه خطا، کارت زرد و کارت قرمز، سعی می‌کند استعداد بازیکنان را به سمت انجام رفتار ورزشکارانه متمرکز نماید؛ از سوی دیگر رعایت حجاب به کاهش استرس‌های ناشی از دغدغه‌های رقابت جوانان زنان با یکدیگر در مدگرایی و جلوه‌گری در محیط اجتماعی منجر می‌شود. مطالعه انجام شده عمدتاً متمرکز به بحث حجاب و تاثیرات اخلاقی آن پرداخته و کمتر به بحث پیرامون موضوعات دیگر پرداخته. با عنایت به موارد فوق در این مطالعه تلاش می‌گردد تا به این سوال پاسخ داده شود که تاثیر حجاب بر سلامت اخلاقی جامعه از منظر دین چیست؟ برای پاسخ به این سوال سه هدف را در نظر می‌گیریم:

۱- بررسی مفهوم حجاب و آیات وارد شده در این موضوع

۲- شناسایی فلسفه حجاب در اسلام

۳- تاثیر حجاب بر شخصیت و سلامت اخلاقی جامعه

۲- بررسی مفهوم حجاب و آیات وارد شده در این موضوع

حجاب در لغت به معنی چیزی است که در میان دو شیء حائل می‌شود. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۹۸) به همین دلیل پرده‌ای که در میان امعاء، و قلب و ریه کشیده شده «حجاب حاجز» نامیده می‌شود.

^۱ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۹۸

در قرآن مجید نیز این کلمه همه جا به معنی پرده یا حائل به کار رفته است. مانند: «جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا» (ما در میان تو و کسانی که ایمان به آخرت نمی‌آورند پرده‌ای پوشیده‌ای قرار دادیم). (اسراء: ۴۵) و همچنین در آیه دیگر آمده: «حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ» (تا موقعی که خورشید در پشت پرده افق پنهان شد) (ص: ۳۲). در کلمات فقها از قدیم‌ترین ایام تا کنون در مورد پوشش کلمه «ستر» به کار رفته است و پوشیدن دست و صورت هم با تعبیر «ستر الوجه و الکفین» مورد اختلاف فقها می‌باشد. (طباطبایی یزدی، العروه الوثقی؛ ج ۱، ص ۴۵۲).

در روایات اسلامی نیز همین تعبیر (ستر) یا شبیه آن وارد شده است، و به کار رفتن کلمه حجاب در پوشش زنان اصطلاحی است که پیش‌تر در عصر ما پیدا شده و اگر در تواریخ و روایات پیدا شود بسیار کم است. بر اساس آنچه امروزه در میان مسلمانان فارسی زبان به کار می‌رود، مراد از حجاب «پوشش اسلامی» است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۰۲) و مراد از پوشش زن، به عنوان یکی از احکام و جویی اسلام، این است که زن، هنگام معاشرت با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. در آیات مختلفی به این معنا تاکید شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

در آیه ۳۱ سوره نور می‌خوانیم: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ فِيهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ...» (و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را از نگاه هوس‌آلود فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند، و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار ننمایند، و اطراف روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند [تا گردن و سینه پوشانده شود]... طبق این آیه زنان باید سرو گردن خود را از نامحرم بپوشند و حق ندارند زینتهایی که معمولاً پنهانی است، آشکار بسازند، هرچند اندامشان نمایان نشود و به این ترتیب آشکار کردن لباس‌های زینتی مخصوصی را که در زیر لباس عادی یا چادر می‌پوشند مجاز نیست، چرا که قد آن از ظاهر ساختن چنین زینتهایی نهی کرده است. با توجه به شان نزول آیه و سیاق آن، زنان قبل از نزول این آیه، دامنه روسری خود را به شانه‌ها یا پشت سر می‌افکندند به طوری که گردن و کمی از سینه آن‌ها نمایان می‌شد، قرآن دستور می‌دهد روسری خود را بر گریبان خود بیافکنند تا هم گردن آن‌ها هم قسمت از سینه که بیرون است مستور گردد (همان، ج ۱۴، ص ۴۳۹-۴۴۰) ضمناً دستوری که این آیه در مورد انداختن گوشه

^۱ اسراء: ۴۵

^۲ طباطبایی یزدی، العروه الوثقی، ج ۱، ص ۴۵۲

^۳ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۰۲

مقنعه به روی گریبان می دهد مفهومش پوشانیدن تمام سر و گردن و سینه است و سخنی از پوشانیدن صورت در آن نیست و به همین دلیل صورت و کنین از حکم وجوب پوشیدن استثنا شده است.

در آیه ۳۳ سوره احزاب نیز می خوانیم: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (و در خانه های خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین [در میان مردم] ظاهر نشوید). به طوری که در تواریخ آمده در آن موقع زنان حجاب درستی نداشتند، و دنباله روسری های خود را به پشت سر می انداختند به طوریکه گلو و قسمتی از سینه و گردن بند و گوشواره های آن ها نمایان بود، و به این ترتیب قرآن همسران پیامبر (ص) را از این گونه اعمال اعمال باز می دارد. بدون شک این یک حکم عام است، و تکیه آیات بر زنان پیامبر (ص) به عنوان تاکید بیشتر است، درست مثل اینکه به شخص دانشمند بگوییم تو که دانشمندی درون مگو، مفهومش این نیست که دروغ گفتن برای دیگران مجاز است بلکه منظور این است که یک مرد عالم باید بصورت موکد تر و جدی تری از کار پرهیز کند. (همان، ج ۱۷، ۲۹۱)

مفهوم اخلاق: اخلاق جمع «خُلُق» بر وزن قفل و خُلُق بر وزن افق می باشد، به گفته راغب در کتاب مفردات. این دو واژه در اصل به یک ریشه باز می گردد، خُلُق به معنای هیئت و شکل و صورتی است که انسان با چشم می بیند و خُلُق به معنی قوا و سجایای و صفات درونی است که با چشم دل دیده می شود. بنابراین می توان گفت: «اخلاق مجموعه صفات باطنی و روحی انسان است» و به گفته بعضی دانشمندان گاه به بعضی از اعمال رفتاری که از خلیقات درونی انسان ناشی می شود، نیز اخلاق گفته میشود (اولی اخلاق صفاتی است و دومی اخلاق رفتاری)

«اخلاق» را از طریق آثارش نیز می توان تعریف کرد، و آن اینکه گاه فعلی که از انسان سر میزند، شکل مستمری ندارد؛ ولی هنگامی که کاری بطور مستمر از کسی سر می زند (مانند امساک در بذل و بخشش و کمک به دیگران) دلیل به این است که یک ریشه درونی و باطنی در اعماق جان و روح او دارد، آن ریشه را خلق و اخلاق می نامند. اینجاست که ابن مسکویه در کتاب «تَهْذِيبُ الْاِخْلَاقِ وَ تَطْهِيرُ الْاَعْرَاقِ» می گوید: «خلق همان حالت نفسانی است که انسان را به انجام کارهایی دعوت می کند بی آنکه نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد» (مسکویه رازی، تهذیب الاخلاق، ص ۵۱). همین معنی را مرحوم فیض کاشانی در کتاب «حقایق» آورده است، آنجا که می گوید: «بدان که خوی عبارت است از هیئتی استوار با نفس که افعال به آسانی و بدون نیاز به فکر و اندیشه از آن صادر می شود» (فیض کاشانی، الحقایق، ص ۵۴) به همین دلیل اخلاق را به دو بخش تقسیم می کنند: «ملکات که سرچشمه پدید

^۱ مسکویه رازی، تهذیب الاخلاق، ص ۵۱

^۲ فیض کاشانی، الحقایق، ص ۵۴

می‌گیرد، چون تعادل روانی در چنین جامعه‌ای وجود ندارد. هرگاه زنان با ظاهر آراسته در جامعه حاضر شوند، مردان ضعیف ایمان، با چشم چرانی و مشاهده زیبایی‌های ظاهری و مقایسه همسران خویش با این زنان که طبیعتاً میوه تلخ آن بی‌رغبتی یا کاهش محبت به همسران خود می‌باشد زمینه بهانه جویی مردان و عیب جویی و تحقیر و بی‌احترامی به زنان خویش و در نتیجه بروز اختلافات ایجاد شده و در نهایت به طلاق و جدایی کشیده می‌شود. امام صادق(ع) در روایتی فرمودند که «النَّظَرَةُ تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَ كَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً: نگاه بعد از نگاه، تخم شهوت را در قلب می‌پاشد و همان کافی است که بیننده را به فتنه بکشانند.» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۹۲)

ممکن است منظور از ایجاد فتنه لین باشد یک نگاه حرام ممکن است بیننده آن را طوری به خود مشغول کند که دست از خانه و زندگی خود بکشد و چون اسیر هوا و هوس شده به همسر قانونی خود بی‌اعتنا باشد و کم‌کم کانون خانواده سردتر و در آخر منجر به طلاق و جدایی شود.

۶. حجاب عامل موثر در ارزشمندی شخصیت زنان

استاد مطهری معتقد است «حقیقت این است که بدبختی‌ها و سیه روزی‌های قدیم زن غالباً معلول این جهت بود که انسان بودن او به فراموشی سپرده شده بود و بدبختی‌های جدید او از آن جهت است که عمداً یا سهواً زن بودن او و موقعیت طبیعی و فطری اش، رسالتش، تقاضای غریزی اش و استعداد های ویژه اش به فراموشی سپرده شده است» (مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۳۰) اگر زنان محجبه باشند، امتیازات ظاهری محو گشته و اذهان متوجه علم و ادب و هنر و اخلاق ایشان می‌شود و دیگر تمام توان زن صرف ظاهر و زیبایی نمی‌گردد، بلکه وقت و توانش به چیزهایی صرف می‌شود که بسیار ارزشمندتر است. در واقع عفاف و پوشیدگی برای زن همچون سد و حفاظتی است که در سایه آن از هر ذلت و تحقیری در امان می‌ماند. دین اسلام با واجب کردن حجاب، می‌خواهد زن بازیچه دست شهوت پرستان نباشد و ارزش او به میزانی تنزل نکند که تنها وسیله‌ای شود برای اطفاء شهوت‌ها. بنابراین حریم نگه داشتن زن میان خود و مرد یکی از وسائل مرموزی بوده است که زن برای حفظ مقام و موقع خود در برابر از آن استفاده کرده است. اسلام زن را تشویق کرده است که از این وسیله استفاده کند. اسلام مخصوصاً تأکید کرده است که زن هر اندازه متین تر و با وقار و عقیف تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش

^۱ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۹۲

^۲ مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۳۰

برای مرد نگذارد بر احترامش افزوده می‌شود. (مطهری، مسئله حجاب، ص ۸۶). علاوه بر این یکی دیگر از ثمرات حجاب برای زن، گران به‌تر شدن او برای مرد و در نتیجه، بوجود آمدن عشق است که لذت بخش‌ترین عواطف انسانی بشمار می‌آید. طبیعی است که وقتی زن زیبایی‌های خود را در معرض نمایش قرار می‌دهد، کم‌کم برای مردان عادی شده و اندک‌اندک از ارزش‌های آن‌ها کاسته می‌شود، ولی وقتی زن خود را می‌پوشاند، نه تنها ارزش او کم نمی‌شود، بلکه برای مرد رویایی تدجلوه می‌کند. بنابراین همانطور که پوشش زن جذابیت او را در نظر جنس مخالف بیشتر می‌کند و ارزش‌های او را بالا می‌برد، بی‌حجاب و خودنمایی در بین انظار عمومی، از جذابیت و ارزش زن می‌کاهد و کشش و جاذبه او را پایین می‌آورد و باعث محرومیت او از به دست آوردن مقام معشوقیت نزد مرد می‌شود. (رجبی، حجاب و نقش آن در سلامت روان، ص ۱۱۹)

راسل در این مورد می‌نویسد: تصور من بر این امر است که مرد به سهولت به زنی دست یابد، احساس آن مرد نسبت به آن زن، یک نوع احساس عاشقانه عمیق نمی‌تواند باشد. (راسل، زناشوئی و اخلاق، ص ۷۹)

حجاب برای دختر همچون وسیله دفاعی است که به او اجازه می‌دهد تا از میان خواستگاران خود، شایسته‌ترین آنان را برگزیند یا خواستگار خود را ناچار سازد پیش از دست یافتن به وی، به تهذیب خود پردازد. موانعی که حجب و عفت زنان را در برابر شهوت مردان ایجاد کرده، خود عاملی است که عاطفه و عشق شاعرانه را پدید آورده و ارزش زن را در چشم مرد بالا برده است. (دورانت، لذات فلسفه، ص ۶۰)

۷. فراهم نشدن زمینه گناه

خداوند در سوره نور می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بِيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا...»: ای کسانی که ایمان آوردید، در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل خانه سلام کنید...» (نور: ۲۷)

آیه بصورت کلی بیان داشته است، پس هم شامل مردان می‌شود و هم زنان، مردی که برای ورود به خانه دیگران اجازه می‌گیرد هم برای خود او خوب است و هم برای اهالی آن خانه، هم خود با صحنه نامناسبی مواجه نمی‌شود و هم اهل خانه خود را برای ورود بیگانه آماده می‌کنند و نیز بالعکس برای زنان هم همین‌طور. در نتیجه هم خود

^۱ مطهری، مسئله حجاب، ص ۸۶

^۲ رجبی، حجاب و نقش آن در سلامت روان، ص ۱۱۹

^۳ راسل، زناشوئی و اخلاق، ص ۷۹

^۴ دورانت، لذات فلسفه، ص ۶۰

^۵ نور: ۲۷

با آرامش خاطر اجازه ورود می گیرد و هم اهل خانه، آرامش قلبی شان حفظ می شود و نیز زمینه برای انجام گناه فراهم نمی شود. رسول خدا (ص) در خطاب خود به حولاء همسر عصاره بیان داشتند که «هر زنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد زینتش را برای غیر شوهر آشکار نمی کند و همچنین موی سر و مچ خود را نمایان نمی سازد...» (نوری، مستدرک الوسائل؛ ج ۱۴، ص ۲۴۴)، آشکار نکردن زینت و موی سر و مچ، برای نامحرم می تواند این مفهوم را برساند که زمینه برای انجام گناه و کارهای حرام فراهم نمی شود.

إِنَّ النَّبِيَّ (ص) نَهَى أَنْ تَتَكَلَّمَ الْمَرْأَةُ عِنْدَ غَيْرِ زَوْجِهَا وَغَيْرِ ذِي مَحَرَمٍ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ خَمْسِ كَلِمَاتٍ مِمَّا لَا بُدَّ لَهَا مِنْهُ: رسول خدا (ص) زنان خود را نهی فرمود از اینکه در حضور نامحرم، بیشتر از پنج کلمه درباره مسائل ضروری سخن بگویند. (بروجردی، جامع الاحادیث شیعه، ج ۲۵، ص ۶۴۸)

با توجه به روایت شریفه از سخنان رسول خدا (ص) می توان چنین برداشت کرد که منع بیش از پنج کلمه سخن گفتن، به خاطر این باشد که زمینه برای گناه بین آنها فراهم نشود و از عواقب سون در امان بمانند چون همه افراد جامعه که در یک سطح نیستند افراد شهوانی و سست ایمان هم در جامعه هستند، پس باید جانب احتیاط را رعایت گرو و از محبت غیر ضروری اجتناب کرد.

^۱ نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۴

^۲ بروجردی، جامع الاحادیث شیعه، ج ۲۵، ص ۶۴۸

نتیجه گیری

نتیجه‌ای که از این موضوع در این تحقیق می‌گیریم این است که مراد از مفهوم حجاب در آیات و روایات به عنوان یکی از احکام وجوبی اسلام این است که زن‌ها باید هنگام معاشرت با نامحرمان بدن خود را بپوشانند و جلوه‌گری نکنند. طبق آیات باید به صورت و کفین بقیه جاها را بپوشانند که زینت‌های خود را آشکار نکنند. فلسفه حجاب در اسلام این است که اسلام می‌خواهد التذاذهای جنسی به ازدواج قانونی اختصاص یابد اسلام به قدرت شگرف این غریزه آتشین توجه کامل نموده و تدابیری برای تبدیل و رام کردن این غریزه آتشین اندیشیده که رعایت حجاب یکی از آنهاست. حجاب تاثیرات فروانی بر سلامت اخلاقی و فکری جامعه دارد و اسباب رسیدن کمال برای زنان را فراهم می‌کند، که به هدرنرفتن نیروی کار، گسترش پیدا نکردن تهمت، ایجاد امنیت برای زنان، کاهش فساد، کم شدن طلاق، ارزش یافتن شخصیت زن و فراهم نشدن زمینه برای گناه از جمله این موارد است.

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۴۱۴، دار صار، بیروت، چاپ سوم
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون الاخبار الرضا(ص)، ۱۳۷۸ ق، تهران نشر جهان.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل علی(ع)، ۱۳۹۷، قم، توحید قم
۴. بروجردی، محمد بن حسن، وسائل شیعہ، ۱۳۶۶ ش، تهران دارالکتب الاسلامیه
۵. بروجردی، آقا حسین، جامع الاحادیث شیعہ، ۱۳۸۶، تهران، فرهنگ سبز
۶. حر العاملی، محمد الحسن، تفصیل وسائل الشیعہ الی تحصیل مسائل الشریعہ، ۱۴۱۶، قم، موسسه آل البيت
۷. راسل، برتراند، زناشویی و اخلاق، ۱۳۵۵، مهدی افشار، تهران انتشارات کاویان
۸. رجبی، عباس، حجاب و نقش آن در سلامت روان، ۱۳۹۰، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)
۹. دورانت، ویل، لذات فلسفه، ۱۳۶۹، عباس زریاب، تهران، انتشارات سازمان و انتشارات انقلاب اسلامی
۱۰. سبحانی تبریزی، جعفر، مسائل جدید، ۱۳۹۷، قم، توحید قم
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴، ترجمه: موسوی همدانی، سید محمد باقر، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم
۱۲. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروه الوثقی مع تعلیقات، قم ۱۴۲۸، ملاحظات: تهیه و تنظیم با حاشیه مکارم شیرازی، ناصر، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ اول
۱۳. فیض کاشانی، کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الحقایق فی محاسن الاخلاق، ۱۳۹۲، مترجم: حمیدرضا صادقی، ناشر: آیت اشراق
۱۴. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، ۱۴۰۰، انتشارات صدرا
۱۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۱۳۷۹، تهران انتشارات صدرا
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ ش، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و دوم
۱۷. ورام، زاهد آبی الحسین، مجموعه ورام، ۱۳۷۶، تهران، بی نا
۱۸. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸ ق، قم موسسه آل البيت